

چرا نمی‌توان تحولات نپال را انقلاب نامید؟



بهروز ایاز

کارشناس ارشد روابط بین‌الملل



یکی از اتفاقات مهم سیاسی این روزها، تحولات نپال است. این اولین سقوط حکومتی در تاریخ است که بانیان آن نسل زد بودند، شاید بتوان از برخی جهات آن را سریع‌ترین سقوط حکومت در جهان هم دانست تنها ۳۶ ساعت طول کشید، اما با این همه تفاسیر، بر خلاف آنچه شنیده می‌شود آیا می‌توان این تحولات را انقلاب به معنای سیاسی دانست؟ با نگاه به سه دهه گذشته، نپال از دهه ۱۹۹۰ میلادی همواره دستخوش تحولات سیاسی بوده است که ثبات سیاسی آن را متزلزل کرده است. از فوریه ۱۹۹۶ تا نوامبر ۲۰۰۶، کمونیست‌های مانوئیستی به مدت ۱۰ سال با حکومت پادشاهی گیانندرا (امپراتوری گورکا) مبارزه می‌کردند که سرانجام با سقوط آن، کمونیست‌ها توانستند در سال ۲۰۰۸، حکومت جمهوری دموکراتیک را پایه‌گذاری کنند. با این حال، آنها نتوانستند ثبات سیاسی را به‌وجود آورند. از سال ۲۰۰۸ تا اعتراضات سپتامبر جاری، ۱۳ نخست‌وزیر بر سر کار آمدند که هیچ کدام نتوانستند دوره ۵ ساله خود را به پایان برسانند. در این مدت نظام سیاسی نپال آلوده به فساد سیاسی بوده است. تولید ناخالص داخلی این کشور ۳۰ میلیونی، تقریباً ۴۵۰ میلیارد دلار است. درآمد سرانه‌اش نیز حدود ۱۵۰۰ دلار است که کمتر از بنگلادش و پاکستان است. برای درک بهتر می‌توان آن را با بوتان با ۱۲ هزار، سریلانکا بیش از ۱۳ هزار و مالدیو با ۲۳ هزار دلار مقایسه کرد. بیش از ۷ میلیون نفر زیر خط فقر هستند و نرخ بیکاری آن بیش از ۱۰ درصد است. تحولات نپال نمونه دیگری از ناکارآمدی اندیشه‌های چپ، علی‌رغم شعارهای جذاب آنان از جمله عدالت و برابری، از بین بردن فقر و بیکاری است. از این رو بود که مردم نپال به‌ویژه نسل زد نسبت به کمونیست‌ها بدبین شدند و از فیلترینگ به عنوان کاتالیزوری برای سرنگونی آنها استفاده کردند. اتفاقی که با نام «انقلاب» در دنیا و به‌ویژه ایران شناخته شده است. اما آیا انقلاب واژه مناسبی برای این تحولات است؟ برای درک بهتر می‌توان به تحولات مصر در جریان موسوم به بهار عربی در سال ۲۰۱۱ اشاره کرد که از سوی پژوهشگران به عنوان انقلاب قلمداد شد. ولی آیا به راستی می‌توان با بررسی تحولات مصر، آن را انقلاب به معنای سیاسی دانست؟ در دنیای سیاست اغلب تحولات سیاسی از سوی عوام با نام انقلاب شناخته می‌شود. اما چنین برداشتی از سوی تحلیلگران سیاسی در این روزها، می‌تواند گمراه کننده باشد. انقلاب یک ترمینولوژی در علوم سیاسی و اجتماعی است که به معنای دگرگونی زیربنایی در ارزش‌ها، باورها و ساختارهای سیاسی و اجتماعی یک کشور است که معمولاً با خشونت همراه است. بنابراین، آیا می‌توان این تحولات را انقلاب به معنای سیاسی دانست؟ از نظر نگارنده هر گونه جوابی به این سوال، در وهله فعلی نادرست و از روی شتابزدگی است. چرا که در حال حاضر نمی‌توان با قاطعیت گفت چه دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی و اجتماعی نپال رخ داده و خواهد داد. مردم نپال برای تغییر باور و ارزش خاصی، بلکه در واکنش به فساد سیاسی دست به سرنگونی حکومت زده‌اند. یعنی هیچ باور و ارزش فرهنگی- اجتماعی در جامعه نپال تغییر نکرده است. چه‌بسا اینکه انتخاب سوشیال کارکی به عنوان چهاردهمین نخست‌وزیر، نشان‌دهنده تداوم شکل نظام سیاسی قبلی است. از سویی دیگر، نیروهای نظامی و ارتش این کشور بدون تغییر خاصی در جای خود باقی مانده‌اند. به عبارت دیگر، تحولات سیاسی اخیر در کاتماندو تنها منجر به سقوط کابینه دولت کمونیستی شده است. نام‌گذاری تحولات منوط به اقدامات آتی سوشیال کارکی است. می‌توان گفت نپال بیشتر در معرض اصلاحات اقتصادی است تا انقلاب سیاسی. و تحولات جاری در گسترده‌ترین شکل خود منجر به اصلاحات اقتصادی و سیاسی خواهد شد. با این تفاسیر، باید در قلمداد کردن تحولات اخیر نپال با نام انقلاب کمی محتاط بود. با این حال، باید گفت که تحولات نپال حاوی پیام‌های مهمی به دیگر کشورهاست. نسل زد در اعتراضات نسبت به دیگر نسل‌ها تندتر و عمل می‌کند و این به دلیل نقش پررنگ احساسات و فضای مجازی در بسیج‌کنندگی آنهاست. استفاده از فیلترینگ همواره بدترین راه حل برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات اقتصادی و سیاسی از سوی حکام فاسد بوده است. تجربه‌های گذشته حاکی از بهبودی فیلترینگ برای مقابله تحولات در حال وقوع است. انتظار می‌رود اگر اقدامات آتی سوشیال کارکی به‌خوبی پیش رود، ممکن است مردم دیگر کشورهای آسیایی از تحولات نپال الگو بگیرند.

بین‌الملل

INTERNATIONAL



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل



چهارشنبه گذشته، شبکه ABC مقابل فشارهای دولت ترامپ سر خم کرد و برنامه تاکشوی «جیمی کیمیل لایو» را تا «اطلاع ثانوی» لغو کرد. بیش از دو دهه است که برنامه شبانه جیمی کیمیل روی آنتن می‌رود و حالا بعد از ۴۸ ساعت به خاطر مونولوگی که به قتل چارلی کرک، فعال محافظه‌کار پرداخت، لغو شده است؛ مونولوگی که کیمیل اصلاً به‌شخص کرک نپرداخت یا اصلاً اظهارنظری درباره او نکرد. او در عوض آن دسته از افرادی را خطاب قرار داد که مشتاقانند از مرگ کرک بهره‌برداری کنند: «دار و دسته ماگا» که به گفته کیمیل «به شدت تلاش می‌کنند این پسر ی که چارلی کرک را به قتل رساند را کسی غیر از خود نشان دهند و هرکاری می‌توانند انجام می‌دهند تا از آن امتیاز سیاسی بگیرند». همانطور که اینکو کنگ، خبرنگار نیویورک می‌گوید مشخص نیست که منظور کیمیل این است که تایلر رابینسون، فردی که متهم به قتل کرک است، «یکی از آنهاست» یا نه اما دشمنان ایدئولوژیکی کیمیل سعی کردند از این جمله‌بندی مبهم بل بگیرند. مقامات پوتا اعلام کردند که رابینسون ایدئولوژی چپ‌گرایانه داشت.

برندان کار، رئیس کمیسیون فدرال ارتباطات یا F.C.C، صحبت‌های کیمیل را «واقعاً مشمئزکننده» خواند و تهدید کرد که از طریق سازمان تحت کنترل خود تلاقی خواهد کرد. «کار» در یکی از یادکست‌های راست‌گرا گفت: «ما می‌توانیم این راه‌روش آسان یا هزینه‌ای گزاف انجام دهیم، «کار» در ادامه گفت: «این کمپانی‌ها (تلویزیونی) می‌توانند شیوه‌هایی برای تغییر رفتار انجام دهند و رک و پوست‌کنده در مورد کیمیل اقدامی نکنند وگرنه F.C.C باید در آینده اقدامات بیشتری انجام دهد». نکته تهدید ضمنی «برندان کار» این است که او صنعت تلویزیون را خطاب قرار می‌دهد چون کمیسیون فدرال ارتباطات هیچ اقدامی جز لغو مجوز ایستگاه‌های تلویزیونی نمی‌تواند انجام دهد.

ماجرای کیمیل کمی پیچیدگی دارد. پس از آنکه دو گروه از شبکه‌های محلی Sinclair و Nexstar از پخش این برنامه امتناع کردند، باب ایگر، مدیرعامل اجرایی کمپانی دیزنی که مالک شبکه ABC است و دینا والدن، رئیس تلویزیونی استودیو، تصمیم گرفتند که بخش این برنامه را به حالت تعلیق درآورند. (Sinclair)، یک گروه تولیدی محافظه‌کار است که تا جایی پیش رفت که از کیمیل خواست از خانواده کرک عذرخواهی کند و به سازمان آنها، Turning Point USA مبلغی را اهدا کند. Nexstar هم تلاش می‌کند با یک ایستگاه تلویزیونی دیگر ادغام شود و به تأییدیه کمیسیون فدرال ارتباطات نیاز دارد. طبق گزارش‌ها کیمیل آماده بود تا در برنامه بعدی به این جنجال بپردازد اما مدیران اجرایی دیزنی این برنامه را لغو کردند. دونالد ترامپ که از سال ۲۰۱۸ از شبکه ABC می‌خواست برنامه کیمیل را لغو کند، در شبکه اجتماعی تروث سوشال با حروف درشت نوشت که این برنامه «کنسل شده» و پیشنهاد داد که دیگر برنامه‌های شبانه که مجری‌های آنها جیمی فلن و ست مایرز هستند نیز باید قطع شوند. برندان کار که حالا دل و جرأتی پیدا کرده گفت که چشم‌هایش به برنامه تاک شوی روزانه «the View» است که آن هم خار دیگری در چشم ترامپ است.

مونولوگی که به وقفه غیراختیاری برنامه کیمیل منجر شد برای این برنامه کاملاً عادی بود. در حقیقت این خلاصه‌ای شسته‌رفته از شخصیت طنزپرداز کیمیل بود: از فردی معمولی که انگیزه‌های سیاسی‌اش در عقل سلیم ریشه دارد. کیمیل پس از تقبیح «دار و دسته ماگا» و اکشن ترامپ به سوال یک خبرنگار درباره کرک را مسخره کرد که فوراً موضوع صحبت را به سمت بازسازی سالن رقص کاخ سفید چرخاند. کیمیل گفت: «او در چهارمین مرحله سوگ قرار دارد: ساخت و ساز». کیمیل در ادامه گفت: «این شیوه‌ای نیست که یک بزرگسال برای قتل کسی که دوست خطایش می‌کند، عزاداری می‌کند. این شیوه‌ای است که یک بچه ۴ ساله برای مرگ ماهی قرمز عزاداری می‌کند».

سانسور کیمیل در دو ماه پس از کنسل شدن برنامه استیون کلبر تحت فشارهای مشابهی اتفاق افتاد اما تفاوت‌های میان این دو حادثه قابل توجه است. کلبر یک سال قبل از پایان برنامه‌اش اطلاعیه‌ای را دریافت کرد که به او زمان کافی برای به‌پایان رساندن تحت شرایط خود را می‌دهد. اما تعلیق ناگهانی کیمیل هالیوود را تکان داد. سبک کمدی سیاسی کیمیل او را به یکی از ستون‌های شبکه‌ای بی‌سی تبدیل کرده بود؛ شبکه‌ای که کیمیل در آن از مسابقه تلویزیونی تا اسکار را میزبانی کرده بود.

تا الان مشخص است که دولت ترامپ تلاش می‌کند آمریکا را اساساً تغییر شکل دهد. نهادهای فرهنگی بخش مهمی از این هدف را دربر می‌گیرند که شامل تغییر شکل «کندی ستر»، استعفای اجباری در «نگارخانه ملی پرتره» و سانسور در موسسه «اسمیتسونین»، بزرگ‌ترین موزه عملی-فرهنگی-تحقیقاتی جهان است. رئیس‌جمهور آمریکا اتحادیه‌های استراتژیکی را با دو تن از ثروتمندترین افراد جهان، ایلان ماسک و لری الیسون ایجاد کرد (که البته رابطه‌اش با ماسک به‌طور چشمگیری شکننده شد.) ماسک شبکه اجتماعی توییتر را به سبک خود بازسازی



کمدین‌های تلویزیونی

جدال بر سر آزادی بیان پس از ترور چارلی

تلویزیونی را که برای آنها مجوز صادر کرده بود، تحت فشار قرار داد. دولت می‌تواند بر ایستگاه‌های تلویزیونی فشار آورد و مجوز آنها را لغو کند نه خود شبکه تلویزیونی را. این در شرایطی است که نیکسون معتقد بود بسیاری از این ایستگاه‌ها در ایالت‌های قرمز (جمهوری‌خواه) قرار دارند. اما در نهایت ماجرایی واثرگیت اتفاق می‌افتد و از آن زمان تاکنون به‌ویژه از زمان رونالد ریگان، تهدید کمیسیون فدرال ارتباطات برای استفاده از قدرت در جهت کنترل محتوا دیده نشده است.

اما اینجا یک خط قرمز قانون اساسی وجود دارد. دولت آمریکا می‌تواند از تربیون قلدرمآبانه خود برای ترغیب مردم استفاده کند. اما دیوان عالی آمریکا می‌گوید وقتی این خط قرمز به‌زورگویی تبدیل می‌شود، از قدرت دولت استفاده می‌کند و مردم را مجبور به انجام کارهایی می‌کند که به‌مثابه نقض متمم اول قانون اساسی است. حالا «برندان کار» در حال آزمایش این خط قرمز است. نمی‌توان با استفاده از قدرت دولت، آزادی بیان را سرکوب کرد. محافظه‌کاران نیز به نوبه خود به سانسور اعتراض کرده‌اند. در دوران ریاست‌جمهوری بایدن، محافظه‌کاران از اینکه کمپانی‌های شبکه‌های اجتماعی (از جمله توییتر) تشویق می‌شدند تا پست‌هایی که اطلاعات غلط درباره بیماری کووید-۱۹ و تقلب در انتخابات را حذف کنند، انتقاد می‌کردند. زمانی که محتوای لپ‌تاپ هانتز بایدن که شامل عکس‌ها و اطلاعاتی درباره پسر رئیس‌جمهور منتشر شد، تأثیر بدی بر وجهه خانواده بایدن داشت و زمانی که کمپانی‌های شبکه‌های اجتماعی محتوای مربوط به لپ‌تاپ هانتز بایدن را حذف کردند، محافظه‌کاران به‌شدت خشمگین شدند و آن را دستکاری در انتخابات دانستند. پس از ششم ژانویه و یورش به ساختمان کنگره، ممنوعیت ترامپ از حضور در توییتر محافظه‌کاران را بیشتر عصبانی کرد. آزادی بیان همان دلیلی بود که ایلان ماسک توییتر را خرید تا هر کسی هر حرفی دارد را بتواند آزادانه منتشر کند. محافظه‌کاران از زمان ریاست‌جمهوری رونالد ریگان با سانسور اطلاعات مخالف بودند. حتی «برندان کار» در زمان ماجرایی اطلاعات غلط در مورد کووید-۱۹ از کسانی بود که با این اقدام دولت مخالفت کرد. برندان کار دو سال پیش گفت که آزادی بیان یک «نظارت حیاتی بر کنترل دولت است و به همین دلیل

کرد، الیسون هم حالا در حال مذاکره برای به‌دست آوردن کنترل تیک‌تاک، کمپانی وارنر برادرز و دیسکاوری است که شبکه خبری سی‌ان‌ان و اچ‌بی‌او را در دل خود دارد. بنابراین اینکه دولت ترامپ سراغ تلویزیون برود که می‌توان گفت محبوب‌ترین رسانه ترامپ است، اجتناب‌ناپذیر بود. در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ برخی از منتقدان به مجریان برنامه‌های شبانه تلویزیونی حمله کردند، تناوب «دست‌زدن» و تمایل آنها برای قانع کردن هم‌نظران خود را مورد تمسخر قرار دادند. حتی تخلیه هیجانی آنها مورد سوءظن قرار گرفت. اگر برنامه‌های شبانه لیبرال در جهان واقعی تأثیر چندانی نداشت، اما برای رئیس‌جمهور آمریکا امری آزاردهنده بود.

سرکوب دولتی چگونه شکل می‌گیرد؟

یک کمدین روی صحنه می‌رود و یک شوخی یا اظهارنظر نیش‌دار می‌کند که باعث می‌شود یک رهبر قدرتمند آزرده‌خاطر شود. یا شاید یک کارتن (مثل South Park) یا برنامه تلویزیونی که این رهبر قدرتمند را عصبانی می‌کند، پخش شود. در هر صورت، رهبر سازندگان این برنامه‌ها و رؤسای آنها را به نقض استانداردهای اخلاقی و فضایل ملی متهم می‌کنند. سپس دولت سرکوب می‌کند. مقامات تهدید می‌کنند، فشار مالی اعمال می‌کنند و به تعطیلی اشاره می‌کنند. در مقابل نیز طنزپردازان وکیل استخدام می‌کنند، مدیران اجرایی دچار ترس می‌شوند و همه به این حقیقت پی می‌برند: هیچ نکته منفی یا شرم‌آوری در مورد دولت یا متحدان آن مجاز نخواهد بود.

دیمین کیو، خبرنگار نیویورک تایمز که در حوزه دموکراسی جهانی می‌نویسد، می‌گوید افرادی که در چین، هند، روسیه، ترکیه و ونزوئلا زندگی می‌کنند با این سناریو آشنایی دارند. هر کدام از این کشورها با سطوحی از اقتدارگرایی اداره می‌شوند. در تمام این کشورها کمدین‌ها، پخش‌کنندگان تلویزیونی، روزنامه‌نگاران و کارتون‌نویس‌ها به‌زور وادار به سکوت شده‌اند. حالا ترامپ هم در دولت دوم تلاش می‌کند آمریکا را به جمع این کشورها اضافه کند. به‌گزارش نیویورک تایمز، شاید بتوان گفت چنین اقداماتی مانند برنامه کیمیل از زمان ریچارد نیکسون دیده نشده است. دولت نیکسون از پوشش خبری در شبکه‌های تلویزیونی آمریکا بسیار خسته شده بود و ایستگاه‌های



سانسور کیمیل درست دو ماه پس از کنسل شدن برنامه استیون کلبر تحت فشارهای مشابهی اتفاق افتاد اما تفاوت‌های میان این دو حادثه قابل توجه است. کلبر یک سال قبل از پایان برنامه‌اش اطلاعیه‌ای را دریافت کرد که به او زمان کافی برای به‌پایان رساندن تحت شرایط خود را می‌دهد. اما تعلیق ناگهانی کیمیل هالیوود را تکان داد. سبک کمدی سیاسی کیمیل او را به یکی از ستون‌های شبکه‌ای بی‌سی تبدیل کرده بود؛ شبکه‌ای که کیمیل در آن از مسابقه تلویزیونی تا اسکار را میزبانی کرده بود.